خبرها

شکایت موسسه امام خمینی از روزنامه جمهوری اسلامی

ایلنا: جمعی از اساتید، اعضای هیات علمی و دانش‌پژوهان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (که آیت‌الله مصباح‌یزدی ریاست آن را برعهده دارد) با تنظیم دادخواستی خطاب به دادستان ویژه روحانیت از مسیح مهاجری مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی و یادداشت‌نویس این روزنامه طرح شکایت کردند. به دنبال انتشار مقاله‌ای با عنوان «جریان‌شناسی حوادث اخیر قم و هشدار به بزرگان» در روزنامه جمهوری اسلامی، جمعی از اساتید، اعضای هیات علمی و دانش‌آموختگان این موسسه در دادخواستی خطاب به دادستان ویژه روحانیت با طرح اینکه نویسنده مقاله آنها را در صف رهبران وهابیت، بهائیت، گروه فرقان و منافقین قرار داده است، از مدیرمسئول و یادداشت‌نویس مزبور به اتهام نشر اکاذیب و توهین و افترا طرح شکایت کردند.

علت کاندیدا نشدن کروبی

ایسنا: مهدی کروبی دبیرکل حزب اعتماد ملی گفت: «در انتخابات خبرگان کاندید نمی‌شوم تا بهتر بتوانم از انتخابات و کاندیداها دفاع کنم.» وی با این توضیح گفت: «ما در انتخابات خبرگان رهبری با دیگران تفاهم داریم، اما ائتلاف با دیگران به این شکل که لیست تنظیم کنیم و بر روی یک یک کاندیداها به نتیجه برسیم، بعید می‌دانم شکل بگیرد، چرا که اصلاً در خبرگان قدرت مانور اینچنینی وجود ندارد.»

سیاست موتلفه در برابر گروه‌های مختلف

ایسنا: اسدالله بادامچیان عضو شورای مرکزی حزب موتلفه گفت: مردم در انتخابات نهم ریاست جمهوری دل خوشی از اصلاح طلبان نداشتند و به دنبال چهره‌ای جدید می‌گشتند که اصولگرایان با معرفی چند نامزد گوناگون، زمینه را فراهم کردند. بادامچیان همچنین گفت: سیاست موتلفه این است که با گروه‌هایی که کاملاً در مواضع اصولی و اساسی با آنها همخوانی دارد، متحد می‌شود، با گروه‌هایی که در چارچوب نظام هستند، اما اختلاف دیدگاهی با ما دارند، ائتلاف می‌کند و با گروه‌هایی که در کشورند اما از نظر مواضع و اصول با موتلفه همراهی ندارند و گاهی با بخشی از نظام فاصله دارند، در مشترکات تعامل می‌کند. در انتخابات خبرگان هم اتحاد، ائتلاف و تعامل را انجام خواهیم داد. این فعال سیاسی درباره پیشنهاد «ائتلاف بزرگ اصولگرایان» نیز گفت: این گونه اسامی ظرفی برای نوع خاصی از فعالیت سیاسی هستند و چندان با شورای هماهنگی تفاوت نمی‌کنند. اصولگرایان هرگاه به هر کدام نیاز باشد، می‌توانند تحت آن عنوان فعالیت کنند.

دادگاه دانشجویان یزدی

ایلنا: جلسه رسیدگی به اتهامات سه دانشجوی دانشگاه یزد صبح دیروز در شعبه سوم دادگاه انقلاب یزد برگزار و دادگاه تجدیدنظر یک دانشجوی دیگر این دانشگاه نیز تجدید شد. هوشنگ پوربابایی وکیل مدافع نوید غلامی، بهروز خالقی و مرتضی برش جان با اعلام این خبر گفت که دادگاه موکلانش صبح دیروز مجدداً بدون حضور نماینده دادستان برگزار شد که نسبت به این موضوع ایراد قانونی گرفته‌اند. وی اتهامات این سه دانشجوی دانشگاه یزد را فعالیت تبلیغی علیه نظام از طریق صدور بیانیه‌ای در تحریم انتخابات عنوان کرد و گفت: ما در جلسه دادگاه اعلام کردیم که طبق ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی فعالیت تبلیغی علیه نظام به عناوینی اطلاق می‌شود که طرفین قصد براندازی داشته باشند اما با توجه به اینکه این قصد در موکلین بنده احراز نشده و آنها به هیچ گروه و دسته‌ای که فعالیت براندازی داشته باشند وابسته نیستند تقاضای صدور حکم برائت موکلانم را کردم. پوربابایی افزود: در این جلسه آخرین دفاع از موکلانم اخذ شد و قرار است دادگاه در مهلت قانونی نسبت به صدور رای خود اقدام کند. وی با بیان اینکه دادگاه امیر اسحاقی دیگر موکلش که قرار بود صبح دیروز در شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر استان یزد به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام برگزار شود، به علت عدم حضور نماینده دادستان برای دفاع از کیفرخواست صادره تشکیل نشد، گفت: این جلسه با ایراد وکلای پرونده برای وقت دیگری تجدید شد.

ائتلاف اصولگرایان یا ائتلاف اصلاح‌طلبان

ایسنا: محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب موتلفه با بیان اینکه انتخابات خبرگان ماهیت ویژه خود را دارد، گفت: مشترکات مبنایی و اعتقادی اصولگرایان مشترکات قابل اعتنایی است که در این نوع انتخابات می‌تواند بروز و ظهور پیدا کند. بنابراین پیش‌بینی می‌کنم در انتخابات خبرگان یک ائتلاف قابل اعتنا خواهیم داشت. دبیرکل حزب موتلفه اسلامی تصریح کرد که شانس برقراری ائتلاف بین اصولگرایان بیشتر از جناح دوم‌خرداد است، اما سران طراز اول اصلاح طلبان نیز در این تلاشند تا این ائتلاف صورت گیرد. وی گفت: ائتلاف در درون جناح‌ها چه دوم‌خرداد و چه اصولگرا در حال شکل گرفتن است اما شانس این هماهنگی را در اصولگرایان بیشتر می‌دانم. با این حال علی محمد حاضری دبیرکل انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها احتمال ائتلاف جریان متصل به هاشمی با اصلاح طلبان را در انتخابات خبرگان زیاد دانست و گفت: جریان متصل به هاشمی که در گذشته به جناح اصولگرا متصل بوده است، در انتخابات خبرگان پیش رو به اصلاح طلبان خواهد پیوست. وی همچنین گفت: در این انتخابات احتمال اینکه جناح اصلاح طلب به ائتلاف برسد، بسیار بالا است. اما این احتمال که اصولگرایان به ائتلاف نرسند و رقابت‌های درون گروهی داشته باشند نیز وجود دارد.

انتقاد از احضار دانشجویان مازندرانی

گروه سیاسی: هیات نظارت بر تشکل‌های دانشجویی دانشگاه مازندران در پی تعلیق ۱۰ ماه فعالیت‌های انجمن اسلامی این دانشگاه و رد صلاحیت نامزدهای شورای مرکزی و لغو برگزاری انتخابات انجمن در این دانشگاه به تازگی نیز ۱۴ نفر از فعالان انجمن اسلامی را به کمیته انضباطی احضار کرد. انجمن اسلامی این دانشگاه نیز در واکنش به رویه موجود با انتشار اطلاعیه‌ای از برخورد با اعضای انجمن‌های اسلامی انتقاد کرد.

حمایت توکلی از برنامه‌های اقتصادی و سیاسی احمدی‌نژاد

گروه سیاسی: احمد توکلی نماینده تهران و عضو شاخص ائتلاف آبادگران و فراکسیون اصولگرایان مجلس ازجمله شخصیت‌های بانفوذ مجلس به شمار می‌آید که سال گذشته هدایت نمایندگان مخالف کابینه پیشنهادی محمود احمدی‌نژاد را به عهده گرفت و سپس در جریان تصویب اولین لایحه بودجه تدوین شده از سوی این دولت به صراحت به مخالفت برخاست و درباره ابتلای اقتصاد کشور به بیماری هلندی و موج گرانی و تورم هشدار داد. اما اینک این نماینده مخالف در سالروز سوم تیر یعنی زمانی که احمدی‌نژاد توانست از هاشمی‌رفسنجانی پیشی بگیرد، به نحو غیرمنتظره‌ای به حمایت از محمود احمدی‌نژاد و سیاست‌های دولت او پرداخته است. چند روز پیش هم الیاس نادران دیگر نماینده متحد توکلی و چهره سرشناس منتقد کابینه و سیاست‌های دولت احمدی‌نژاد طی نطق پیش از دستوری با حمله به منتقدان اقتصادی دولت احمدی‌نژاد سیمای یک نماینده مدافع دولت را از خود به نمایش گذاشت. امری که تا حدودی با شگفتی مواجه شد و تحلیل‌ها را در چرایی این مواضع به دو انتخابات پیش‌رو معطوف کرد. احمد توکلی در گفت‌وگویی با خبرگزاری فارس هدف اصلی خود را نقش‌آفرینی برای نجات کشور از خطر لیبرال‌دموکراسی و لیبرال سرمایه‌داری می‌داند و در عین حال معتقد است نارضایتی مردم از لیبرال‌دموکراسی و رفاه‌طلبی مسئولان ۱۶ سال گذشته و ایجاد طبقه سیاستمداران رفاه‌زده تاثیر بسزایی در پیروزی احمدی‌نژاد در سوم تیر داشت. توکلی معتقد است که عملکرد دولت احمدی‌نژاد تاکنون بسیار موفق بوده چرا که با کمترین تنش سیاسی مواجه بوده‌ایم و دولت او درصدد تسویه حساب با مخالفان برنیامده است، ضمن اینکه در عرصه بین‌المللی هم بسیار قوی عمل کرده است. توکلی که در انتخابات ریاست‌جمهوری مدافع قالیباف بود معتقد است آرای قالیباف از روز سه‌شنبه یا چهارشنبه هفته آخر تبلیغات معکوس شد و در عوض آرای احمدی‌نژاد به شدت رشد کرد. توکلی دو دلی دینداران نسبت به مبانی شعارهای انتخاباتی قالیباف را در کاهش آرای او بی‌تاثیر نمی‌داند و معتقد است شعار مروجین احمدی‌نژاد مبنی بر تقدم صالح مقبول به اضافه فتوای آیات عظام مکارم‌شیرازی و نوری‌همدانی هم بر این روند تاثیر گذار بود. بخش‌هایی از این مصاحبه را می‌خوانیم:

■ **آقای توکلی لطف کنید یک تحلیل کلی از انتخابات ریاست‌جمهوری نهم داشته باشید تا مدخل مناسبی برای ورود به بحث و طرح سئوالات ما باشد.**

برجستگی انتخابات نهم ریاست‌جمهوری در چرخش مردم از سیاستمدارانی بود که در ۱۶ سال قبل از آن سکاندار کشور بودند. آنان رویکردی را پذیرفتند که تاکید آن بر ارزش‌های انقلابی و اسلامی اصیل‌تر مربوط به دهه اول انقلاب اسلامی بود و به همین دلیل شگفتی خلق کردند. شخصیت‌های باسابقه‌ای مثل آقای هاشمی‌رفسنجانی یا آقای کروبی از صحنه انتخابات کنار زده شدند و بین نامزدهای دیگری هم که کم و بیش به یک جریان فکری تعلق داشتند نامزدی که با صراحت بیشتری بر ارزش‌های سیاسی انقلاب تاکید می‌کرد مورد اقبال مردم واقع شد که این نشانی از نارضایتی مردم از گرایش‌های متمایل به «لیبرال‌دموکراسی» بود که در طول سال‌های گذشته در بین برخی جناح‌های سیاسی شکل گرفته بود.

■ **اصولگرایان در طول هشت سالی که از عرصه قدرت برکنار بودند چه تغییرات و تحولاتی را در خود ایجاد کرده بودند تا بتوانند شعارهای خود را با جذابیت بیشتری به مردم ارائه کنند؟ آیا تغییر و حتی تخریب هنجارها و ارزش‌ها و اصول انقلاب اسلامی که در دوره حاکمیت دوم‌خردادی‌ها رخ داده بود مردم را از اصلاح طلبان رویگردان کرده بود و همین دلزدگی و رویگردانی باعث رویکرد آنها به اصولگرایان شد و یا اینکه اصولگرایان با اتخاذ یک روش و منش خاص و سلوک ویژه‌ای وارد عرصه انتخابات شده و شعارهای خود را مطابق ذائقه مردم تغییر دادند که رای آوردند؟**

من تغییری در شعارهای اصولگرایان مطابق ذائقه مردم نمی‌بینم بلکه برعکس می‌بینم که آقای احمدی‌نژاد با ادبیاتی با مردم سخن گفت که کمتر «نوگرایی» به آن معنا که در سئوال شما نهفته است در آن دیده می‌شد. در طول سال‌های گذشته و چند دوره ریاست جمهوری قبلی شعار برندگان انتخابات از نظر اقتصادی تکیه بر روی رشد و حل مسئله و توزیع درآمد پس از طی مراحل رشد بود که این یک مدل و الگوی امتحان پس داده صندوق بین‌المللی پول است که در اکثر کشورها شکست خورده و از جمله در ایران ما معتقد بودیم که شکست خواهد خورد و شکست هم خورد. از جهت سیاسی به معنای سلوک سیاستمداران، فاصله حاکمان از مردم در رفتار و تنعمات، هر روز بیش از گذشته می‌شد و این برای مردم خیلی رنج‌آور بود. یک نوع رفاه‌طلبی مفرط در حاکمان پیدا شده بود که حتی برای آن تئوری‌پردازی هم می‌شد و به نظر من به ذائقه مردم ایران خوش نمی‌آمد چرا که مردم متاثر از تفکر شیعی این الگوهای حکومتی را قابل قبول نمی‌دانستند. مردم هم رفاه می‌خواهند اما دوست ندارند وقتی خودشان رفاه ندارند حاکمان و مسئولان آنها مرفه زندگی کنند. در تمام ۱۶ سال ریاست جمهوری از الگوی توسعه اقتصادی تبعیت می‌شد و به اهداف مورد ادعای خود نمی‌رسید. شکاف طبقاتی هر روز تشدید می‌شد و مردم شاهد پیدایش طبقه سیاستمداران مرفه و رفاه‌طلبی بودند که از آنها و این وضعیت خوششان نمی‌آمد. الگوی توسعه سیاسی دوره آقای خاتمی که با الگوی حاکم در زمان آقای هاشمی متفاوت بود به جای اینکه به جامعه آرامش تزریق کند و نتایج دلنشین به بار بیاورد کشور را به تشنج و اختلافات حاد کشاند و مدعیان اصلاحات هم اغلب اوقات در عمل بسیار انحصارطلبانه و خودمحورانه عمل می‌کردند و از آن پلورالیسمی که مدعی‌اش بودند در عمل خبری نبود. از نظر فرهنگی نیز نوعی بی‌مبالاتی نسبت به ارزش‌های دینی رایج شد، حملات نادرستی به دین صورت گرفت و مردم متدین را آزرده خاطر کرد. از نظر سیاست خارجی نیز در دوره اصلاح طلبان در بحث انرژی هسته‌ای که برجسته‌ترین مورد ارتباط کشورمان با جهان خارج بود یک نوع کوتاه آمدن یا وادادگی احساس می‌شد و سیاست «تنش‌زدایی» که اساساً سیاست درستی هم هست نوعی «کوتاه آمدن» در رفتار تعریف می‌شد. اگر انتقادات اصولگرایان را رصد کنیم خواهیم دید که پیکان این انتقادات متوجه همین مسائل بوده است، اما شعارهای آقای احمدی‌نژاد که معطوف به انتقاد از همین نواقص و ناکارآمدی‌ها بود صریح‌تر و انقلابی‌تر بود که بر روی ارزش‌های انقلاب اسلامی تاکید بیشتری داشت و به دلیل سابقه رفتاری که در شهرداری از وی وجود داشت و جریانی که سیر آن با انتخابات دوره دوم شوراها آغاز شده بود مردم احساس کردند شاید انتخاب آقای احمدی‌نژاد حلقه تکامل بخش این چرخه است.

■ **در ارزیابی پیروزی آقای احمدی‌نژاد یک نکته جالب توجه وجود دارد و آن اینکه همه تصور می‌کردند در بین کاندیداهای اصولگرایان آقای قالیباف محل بیشترین توجه است اما در روزهای آخر این روند به نفع احمدی‌نژاد شد، چرا؟**

الان به یاد می‌آورم تا روز سه‌شنبه یا چهارشنبه هفته آخر تبلیغات روند به همین شکل بود که گفتید ولی بعد از آن روند معکوس شد و آرای آقای قالیباف رو به افت رفت و آرای آقای احمدی‌نژاد به شدت رشد کرد. بحث انتخاب «صالح مقبول» در روزهای آخر دیگر مورد قبول مراجع هم قرار گرفته بود. اوایل عده‌ای از متدینین این استدلال را قبول نداشتند و عده‌ای از اصولگرایان نیز به این استراتژی ایراد می‌گرفتند و می‌گفتند وقتی ما «اصلح» داریم چرا باید سراغ صالح مقبول برویم و این عده در بین طرفداران مصمم آقای احمدی‌نژاد تعدادشان بیشتر بود. در روزهای آخر هم وقتی دو تن از مراجع، آیت‌الله مکارم‌شیرازی و آیت‌الله نوری‌همدانی، فتوا دادند که برای مصلحت صحیح است از بین خوبان به کسی که برنده می‌شود رای دهید تا کسی که به طور نسبی خوب تلقی نمی‌شود برنده نشود. این درست در روزهایی بود که شعار طرفداران آقای احمدی‌نژاد مبنی بر اینکه ما در نظرسنجی جلو هستیم مثل موجی همه کشور را دربرگرفت و مروجین آقای احمدی‌نژاد شعار صالح مقبول را به اضافه فتوای دو مرجع مذکور تبلیغ کردند و یادم می‌آید که آقای احمدی‌نژاد همان روزها سفری را به قزوین داشتند که اعلام کردند می‌خواهم یک خبر خوش به مردم بدهم که طبق نظرسنجی‌ها من از همه جلوتر هستم. این مسائل را در چرخش آرا خیلی موثر می‌دانم. در آن تلاطم‌های روزهای تبلیغات نیز تشخیص این مسئله که این نظرسنجی‌ها کجا تهیه می‌شود و چقدر قابل اتکا است خیلی سخت شده بود. چهارشنبه ۲۵ خرداد ۸۴ من در حالی که از سمنان بازمی‌گشتم و تلفنی با برخی کاندیداها صحبت می‌کردم احساس می‌شد که ممکن است آقای احمدی‌نژاد جلو افتاده باشد. من آنجا هم با برخی کاندیداها برای منصرف کردن‌شان (با توجه به اینکه از قرائن برمی‌آمد که چه کسانی رای می‌آورد) صحبت کردم، آنجا معلوم بود که در بین ۴ نفر باقی‌مانده حتماً آقایان قالیباف و احمدی‌نژاد جلوتر از بقیه هستند. با آقایان رضایی و لاریجانی صحبت کردم. یادم می‌آید با آقای لاریجانی موفق شدم صحبت کنم، اما یادم نیست با آقای رضایی هم صحبت کردم یا نه. تلاش داشتم با تقلیل کاندیداهای اصولگرا به دو نفر آرا را متمرکزتر کنم و با توجه به اینکه احتمال کشیده شدن انتخابات به مرحله دوم خیلی بیشتر شده بود، دو کاندیدای اصولگرا به مرحله دوم بروند. مطلع شدم که احتمال کنار رفتن آقای رضایی زیاد است. اما آقای لاریجانی را نتوانستم قانع کنم. حدس من از اول این بود که چون ایشان نامزد جناح راست سنتی تلقی می‌شود رای بالایی نخواهد آورد. البته در صحبتی که همان ۲۵ خرداد با ایشان کردم متوجه شدم که تلقی مشابهی با من دارد اما صراحتاً به من گفت که دیگر کنار کشیدن را یک نوع بی‌معرفتی نسبت به کسانی می‌دانم که برای من مایه گذاشته‌اند و جوانمردی نمی‌دانم. بعد از رای‌گیری وقتی تا ظهر شنبه تکلیف آرا تا حدودی مشخص شد من در ساعت یک‌ونیم بعدازظهر بیانیه‌ای در حمایت از آقای احمدی‌نژاد صادر کردم که دنباله همان استراتژی‌ای بود که از قبل تعقیب می‌کردم. البته ظاهراً باز هم هیچ‌کس دیگر از سیاستمدارها این کار را نکردند و اینکه آقای احمدی‌نژاد چند بار گفته‌اند من مدیون گروه‌ها نیستم شاید به این دلیل بود که حتی در مرحله دوم جز جمعیت ایثارگران از بین گروه‌ها و بنده از بین شخصیت‌های سیاسی، کسی به صراحت پای کار آقای احمدی‌نژاد نیامد. تقریباً از اینجا به بعد ما خاطرجمع بودیم که آقای احمدی‌نژاد پیروز است ولی مهم این بود که با چه فاصله‌ای پیروز شود.

■ **من احساس می‌کنم جواب سئوال دوم خودم را نگرفتم. چطور شد که آن موج خاموش در چند روز آخر به طرفداری از آقای احمدی‌نژاد حرکت کرد و نتیجه نظرسنجی‌های روزهای آخر و نتیجه انتخابات را تغییر داد؟**

یک بخش آن به تاکتیک‌های انتخاباتی مربوط بود که آقای احمدی‌نژاد و طرفدارانش اتخاذ کرده بودند. تصویری که از آقای احمدی‌نژاد ارائه شد تصویر یک انقلابی مقتدر اجرایی بود که به شدت به مردم از حیث زندگی و حتی زندگی سیاسی نزدیک است. تبلیغات وی زرق و برق نداشت، شعارهایش مردمی‌تر بود و طرفدارانش هم غیرمتشکل‌تر بودند و ستادهای تبلیغاتی خودجوش زیادی برای وی فعالیت می‌کردند. تبلیغات طرفداران آقای احمدی‌نژاد خیلی موفق بود به‌خصوص در روزهای آخر اما تبلیغات آقای قالیباف در روزهای آخر از وی در نزد متدینین یک آدم دودل و مردد تصویر کرد.

■ **نوع تبلیغات پرخرج وی نیز در این روند موثر بود؟**

هم از نظر فرم تبلیغات و هم از نظر حجم تبلیغات آقای قالیباف توده‌های میانی جامعه را هدف قرار داده بود و آقای احمدی‌نژاد توده پایینی جامعه را. سلوک و سابقه آقای احمدی‌نژاد هم با آنچه نشان می‌داد و مدعی بود سازگار بود و آنچه از آقای قالیباف نشان داده می‌شد با بعضی از دعاوی گذشته وی سازگار نبود. بنابراین وقتی در روزهای آخر مردم آمدند تصمیم بگیرند بر اساس این مولفه‌ها تصمیم گرفتند و فکر می‌کنم عمده دلیل چرخش آرای مردم به دلیل نوع سلوک تبلیغاتی دو کاندیدا و میزان انطباق آن با تصویری بود که از آنها وجود داشت.

■ **آرمان‌ها و اهداف سوم تیر را چگونه باید حفظ و نهادینه کرد؟**

در جلسه‌ای که مقام معظم رهبری با مسئولان نظام داشتند برخی لوازمی را که باید اصولگرایی تداوم یابد برشمردند. در سخنان آقای احمدی‌نژاد قبل از سخنان مقام معظم رهبری نیز اولین نکته مورد تاکید وحدت ملی بود. یعنی اینکه دولت خود را دولت همه بداند و همه تحت لوای این دولت احساس شهروندی سالم کنند و احساس کنند حقوق آنها لحاظ شده و مورد احترام قرار می‌گیرد که از این حیث دولت آقای احمدی‌نژاد در همین ایام اخیر روی کار آمدنش دولت موفقی بوده است چرا که کمترین تنش سیاسی از سنخ آنچه که در دوران هشت‌ساله توسعه سیاسی ما شاهد آن بودیم رخ داد و اصلاً دولت مطلقاً درصدد برنیامده است که با مخالفین سیاسی خود تسویه‌حساب سیاسی کند و اصلاً زمین بازی را این گونه تعریف نکرد.

گفت‌وگو با علی ربیعی

ادامه از صفحه ۳

■ **آسیب‌هایی که ممکن است کلیت نظام سیاسی را با توجه به عدم این نهادهای واسط به وجود آورد، در چه حوزه‌هایی می‌توان مشاهده کرد؟**

نهادهای واسط در بحران‌ها نقشی غیر قابل انکار را برای حاکمیت و یک نظام سیاسی می‌توانند بازی کنند. در شرایط بحرانی جنبش سیاسی توده‌ای تغییرخواه سخنگو پیدا می‌کند و دولت می‌تواند با سخنگوها چانه‌زنی کند. اما از روش و رفتار جریان حاکم چنین چیزی دیده نمی‌شود که اگر بشود، جریان سیاسی توده‌ای دیرتر به بن بست می‌رسد. با عنایت به این شرایط، جریان فوق در مقاطع بحرانی قابل کنترل و هدایت است اما اگر همچنان بر این تفکر غلط پافشاری کنیم که رابطه مستقیم با توده‌ها برای نظام سیاسی دلپذیر است، باید در انتظار عکس‌العمل انفجاری جنبش توده‌ای سیاسی باشیم. چرا که همان گونه که گفتیم به دلیل آنکه ساخت قدرت، ساخت سالمی نیست این جریان در مقاطعی می‌تواند بحران‌زدایی کند. منجی‌های ناشناخته همزاد رفتار توده‌وار و توده‌ستایانه است، اما این منجی‌های ناشناخته همیشه خاتمی و احمدی‌نژاد نخواهد بود.

■ **با این توصیف جریان سیاسی توده‌ای به دلیل ذات تغییرخواهانه خود و نبود هدفی مناسب در جامعه هرگز مسیر مشخصی را نخواهد یافت؟**

دقیقاً این جریان همانند کانال آبی است که مشخص نیست به کدام سمت در حال حرکت است. ممکن است روزی به جوی بیگانه بریزد و روزی سد دیگری را پر کند. جریان معتقد به رفتار توده‌ستایانه اعتقادی به سدسازی ندارد. چرا که سد را آفت بقای خود می‌داند. سدسازی یعنی ظرفیت‌سازی برای استفاده بهینه از منابع که نوخواهی، نوسازی، رشد اقتصادی و توسعه سیاسی مهمترین نوع بهینه‌سازی برای رفع دغدغه‌های جریان جنبش سیاسی توده‌ای است.

■ **نقش‌آفرینی و ضرورت وجود جایگاه احزاب همین جاست؟**

نه، اشتباه ما همین است که فکر می‌کنیم برای توسعه‌یافتگی سیاسی و تحقق دموکراسی در کشور یک‌باره باید به سراغ احزاب سیاسی برویم. در حالی که ما هنوز به بلوغ سیاسی نرسیده‌ایم احزاب نقطه نهایی فعالیت سیاسی است. جامعه ما در نهادهای اجتماعی جزیی‌تر همانند تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، سندیکاها، اتحادیه‌ها و جنبش‌های اجتماعی کوچک‌تر مشکل دارد. ما همچنان بعد از نهاد خانواده هیچ ظرفیت سیاسی را در جامعه به صورت نهادمندی شده دارای قاعده مشاهده نمی‌کنیم. بعد از خانواده جامعه در یک خلاء تشکیلاتی سیر می‌کند. ما باید در ابتدا در این نهادهای کوچک‌تر تمرین فعالیت سیاسی کنیم. اینها حوزه‌هایی هستند که می‌تواند انباشت تجربه را برای جامعه ما به ارمغان بیاورد. شورای اسلامی شهر و روستا که در ابتدای راه‌اندازی‌اش به خاتمی و دولت دوم خرداد در خصوص آن انتقادهای بسیار شد، یقیناً در ظرفیت‌سازی سیاسی و نهاد واسط درست کردن نقش غیر قابل انکاری خواهد داشت، چرا که ما در کشور سیستم گردش نخبگان نداریم. گردش نخبگان باید از میان احزاب بزرگ شکل بگیرد. تا به امروز چه میزان نیروی نخبه از همین مجلس شورای اسلامی تولید شده است. همین نیروهای تزریق شده به جامعه می‌توانند در تشکل‌های کوچکتر و خردکننده اجتماعی حضور پیدا کنند و پایه‌گذار احزاب بزرگ و باثبات شوند.

■ **بر این اساس هیچ جریان سیاسی‌ای در ایران، قابلیت تثبیت در افکار عمومی و لیدر شدن جریان سیاسی توده‌ای را ندارد، حالا می‌خواهد پراگماتیست باشد و یا پراکسیست و یا ترکیبی از این دو؟**

البته این قاعده در هیچ جای دنیا وجود ندارد. اما در کشورهای توسعه‌یافته جریاناتی می‌توانند در بالای قدرت بمانند که در آن جامعه ظرفیت‌ها و بسترهای سیاسی حقیقی مردم برای مشارکت سیاسی فراهم شده باشد. البته در این ظرفیت‌سازی سیاسی ضرورتی ندارد تا صد حزب بزرگ وجود داشته باشد. چهار، پنج حزب قوی و فراگیر این نقش را بازی می‌کنند و مردم هر روز تغییرات مطلوب خود را در این چند جریان و حزب سیاسی جست‌وجو می‌کنند و هرگز انسداد سیاسی در چنین جوامعی رخ نمی‌دهد. البته این احزاب به بهینه شدن برنامه‌ها و رفتارهای خود اعتقاد واقعی دارند، چرا که باید پاسخگوی تغییرخواهی توده‌ها باشند و به نیازها پاسخ دهند. همین مسئله منجر به استمرار بقای یک نظام سیاسی می‌شود اما اگر یک رژیم سیاسی که همچنان در حال خوردن از آبشخور انقلاب و علل موجده خود است هرگز پاسخگوی نیازها، نوخواهی‌ها و تغییرات جامعه خود نخواهد بود. فرصت بهره‌گیری از فضای بعد از جنگ برای توجیه بسیاری از رفتارهای حاکمیت به پایان رسیده است. دولت در ایران می‌تواند با تغییر استراتژی، تاکتیک و تکنیک خود در سطوح مختلف تعامل با توده‌ها، نوعی پویایی را در جامعه احیا نماید تا حداقل اکثریت جامعه احساس کنند با هر مشارکت سیاسی و انتخاباتی مطالبات و نیازهای جدیدتری از آنان پاسخ داده می‌شود. اگر این اتفاق صورت نگیرد، جنبش سیاسی توده‌ای با انسداد سیاسی روبه‌رو شده و این انسداد برای امنیت حاکمیت تهدیدزا و بحران‌آفرین است چرا که دولت یک ضرورت برای زندگی اجتماعی این جریان محسوب نمی‌شود. یکی از مهمترین تفاوت‌های جوامع توسعه‌یافته سیاسی و جوامع در حال گذار در همین مسئله می‌باشد که جوامع توسعه یافته دولت را جزء لاینفک زندگی خود می‌دانند و براین اساس فصل اشتراک‌های بسیاری میان نخبگان، نهادهای واسط و مردم وجود دارد که دولت را هم از درون خودش بیرون کشیده است. امروز اگر در فرانسه تظاهرات سال‌ها هم طول بکشد هرگز به فکر کسی انقلاب دیگری خطور نمی‌کند. شاید دولت عوض شود اما بن‌بست برای توده‌ها وجود ندارد. ظرفیت‌های سیاسی لازم برای نوع دیگری از تغییرخواهی در اینگونه جوامع وجود دارد.

■ **آقای ربیعی فصل اشتراک ارزشی میان نخبگان، نهادهای واسط و مردم منجر به تصمیم‌گیری واحد و ساخت دولت در نظام‌های توسعه‌یافته سیاسی می‌شود. اگر بخواهیم این بحث را با جامعه ایران مقایسه کنیم، امروز ارزش‌های حاکمیت تا چه میزانی با ارزش‌های طبقه تهی‌دست تغییرخواه که در دو سطح سلسله مراتب نیازها قرار گرفته است، تفاوت دارد؟**

ایران مدت‌هاست که دچار یک دوالیزم ارزشی شدید شده است. یک نوع دوگانگی ارزشی که برخی مواقع در حاکمیت وجود دارد. یک دوگانگی ارزشی میان حاکمیت و مردم و یک دوالیزم ارزشی در دل جامعه. در ایران اتفاقات عجیب بسیاری رخ می‌دهد. وقتی ارزش‌های حاکمیت دوگانه می‌شود، بخشی از آن با یک کوهان کوچکتر که حامل یک دسته از ارزش‌هاست ارتباط می‌گیرد و بخش دیگر آن با کوهان بزرگ که دسته‌ای دیگر از ارزش‌ها را درون خود جای داده است. به بطن اجتماع هم که سفر کنید، زندگی اجتماعی دیگری به جز هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده از سوی حاکمیت خواهید یافت. حاکمیت بعد از انقلاب و دوران جنگ رو به بسیاری از خواست گرایی‌هایی آورد که هیچگونه ارتباطی با انقلاب و مبانی دینی ما هم نداشت. متاسفانه افرادی که در حاکمیت هستند، ملاک‌های سطحی‌ای را برای شناخت وضعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه مدنظر می‌گیرند. برای مثال سفرهای دوره‌ای اقشاری از جامعه به یک استان و یا تظاهرات‌های خاصی را ملاک برآورد خود از جامعه قرار می‌دهند و البته این مسئله هم به دلیل آن است که حاکمان نیازشناسی دقیقی از تغییرخواهی توده‌های اجتماعی ندارند. البته مصرف‌گرایی و ارتزاق بی حد و حصر از ایده‌های مشروعیت‌ساز و عقبه‌های ایدئولوژیک انقلابی و دینی نیز یکی از دلایل دوگانگی ارزشی میان حاکمیت و ملت بوده است که با توجه به روند فوق در هرم قدرت به نظر نمی‌رسد که برنامه‌ای برای افزایش شعاع اشتراک پذیری با توده‌های تغییرخواه وجود داشته باشد.

■ **در دولت اصلاحات که گفتمان توسعه سیاسی به عنوان گفتمان اصلی دولت معرفی شد، عده‌ای از منتقدان توسعه سیاسی را همان لائیسیته و سکولاریزه شدن جامعه تصور کردند. به واقع رابطه توسعه سیاسی با سکولاریسم چگونه است و براساس چه مداری تعریف می‌شود؟**

توسعه سیاسی هم با جامعه دینی و هم با جامعه سکولار سر سازگاری دارد. البته پیشبرد فرآیند نوسازی و توسعه سیاسی وابسته به اندیشه مسلط در جامعه است. توسعه سیاسی حتماً مصادف با سکولار کردن جامعه نیست. نتیجه توسعه سیاسی می‌تواند روی کار آمدن یک دولت اسلامی در ترکیه باشد، به شرط آنکه مختصات سرزمینی آن واحد سیاسی مورد توجه لیدرهای گفتمان توسعه سیاسی قرار گرفته باشد.

■ **چگونه می‌توان گفتمان توسعه سیاسی در ایران را بومی و متناسب با شرایط و خصلت‌های ذاتی و ارزشی جامعه کرد و اینکه چه زمانی این گفتمان می‌تواند در جامعه ایرانی با موفقیت عملیاتی شود؟**

هژمونی ارزشی مردم عامل اساسی بومی‌سازی گفتمان توسعه سیاسی است. اگر چه همانگونه که پیش از این اشاره شد، باید فرهنگ و ظرفیت‌سازی سیاسی جهت ایجاد مشارکت مردم و رفع موانع انسداد در ساختار قدرت پیش بینی شده باشد. اگر ظرفیت‌سازی سیاسی از لایه‌های پایین اجتماعی متولد شده باشد و این ظرفیت در قالب نهادهای واسط از سوی دولت و حاکمیت به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قرار بگیرد، توسعه سیاسی مطلوبی را می‌تواند به همراه داشته باشد.

■ **با توجه به پدیده جهانی شدن و رویکرد عامه ملل جهان به حکومت‌های دموکراتیک و مردمی آیا دولت فعلی ایران می‌تواند نوخواهی توده‌های جامعه و نوسازی بافت قدرت را نادیده بگیرد و به گفتمان توسعه سیاسی توجهی نکند؟**

امنیت بین‌الملل را دو فناوری تحت تاثیر خود قرار داد. اولین فناوری، بمب اتم بود که امنیت بین‌الملل را با نوعی صلح تحمیلی روبه‌رو کرد. استراتژی هسته‌ای که سال‌ها دو قطب جهانی در پیش گرفتند، منجر به آن شد که برای مدت زیادی کشورهای بزرگ از جنگ دوم جهانی، جنگ دیگری را به خود نبینند. تمامی جنگ‌ها در کشورهای جهان سوم بود. فناوری دومی که امروزه امنیت بین‌الملل و دولت‌ها را متحول کرده است، فناوری ارتباطات و اطلاعات می‌باشد. امروز مرجعیت اقتدار دولت‌ها همانند سابق نیست و نه تنها دولت‌ها که تمامی نهادهای قدرت در حال تضعیف شدن هستند. حتی نهاد خانواده همچون گذشته اعتبار و اقتدار سالیان گذشته خود را ندارد. قدرت پدران امروز با پدران دیروز متفاوت است. گروه‌های مرجع از داخل به خارج در حال شیفت کردن هستند که متاسفانه اینها همه باید سیاه گونه و «سیا» گونه مورد مطالعه قرار بگیرد. بر این اساس جوامع شبیه ما که انقلاب کرده‌اند، سرنوشت محتومشان خارج از چهارگزینه بازگشت به دوران گذشته، انقلابی جدید، پناه به دامن منجی‌های ناشناخته و اصلاحات نخواهد بود. اگر حاکمیت و دولت چنین می‌پندارد که رفتارهای توده‌ستایانه قابلیت برآورده کردن تغییرخواهی جنبش اجتماعی، سیاسی توده ای را دارد، یقیناً پنداری اشتباه است. این